

ابزارها

زین دو هزاران من و ما ای عجبا، من چه منم !

زین دو هزاران من و ما ای عجبا، من چه منم !
گوش بنه عربده را، دست منه بر دهنم
چون که من از دست شدم، در ره من شیشه منه
ور بنهی، پا بنهم، هرچه بیابم شکنم
زانکه دلم هر نفسی دنگ خیال تو بود
گر طریبی، در طریم، گر حزنی، در حزنم
تلخ کنی، تلخ شوم ، لطف کنی ، لطف شوم
با تو خوش است، ای صنم لب شکر 1 خوش ذقتم 2
اصل تویی، من چه کسم ؟ - آینه ای در کف تو
هرچه نمایی بشوم ، آینه ممتحنم 3
تو به صفت سرو چمن، من به صفت سایه تو
چون که شدم سایه گل، پهلوی گل خیمه زخم
بی تو اگر گل شکنم، خار شود در کف من
ور همه خارم، ز تو من جمله گل و یاسمنم
دم به دم از خون جگر ساغر خونابه کشم
هر نفسی کوزه خود بر در ساقی شکنم
دست برم هر نفسی سوی گریبان بتی
تا بخرشد رخ من، تا بدرد پیرهنم
لطف صلاح دل و دین 4 تافت میان دل من
شمع دل است او به جهان، تافت میان دل من
شمع دل است او به جهان، من کیم ؟ او را لگنم 5

مولانا جلال الدین محمد بلخی
به کوشش محمد رضا شقیعی کدکنی

- 1 لب شکر، شکرلب
- 2 ذقن، زنج، زرخدان
- 3 ممتحن، آزموده
- 4 صلاح الدین زرکوب
- 5 لگن، جای شمع